**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجم\_8 مهر 1398**

بحث در این بود که آیا از مجموع کلمات شیخ قدس الله روحه در رسائل و تقریرات مسلک انسداد استفاده می­شود یا انفتاح؟

عرض کردیم حضرت آیت الله زنجانی دامت برکاته، اعتقاد دارند که شیخ متمایل به انسداد است. این مطلب را از درس اصول ایشان برایتان نقل کردیم، یک مقاله­ایی هم برخی طلاب نوشته­اند که این مقاله جمع آوری همه فرمایشات ایشان در بحث فقه است که به مناسبت وارد بحث انسداد شدند.

در بحث فقه موارد متعددی بحث انسداد را مطرح کرده اند.

در اینجا ایشان می گوید که شیخ در رسائل یا انسدادی است یا حداقل کلماتش متناقص است، یعنی بعضی از کلماتش دال بر انسداد است و بعضی نه.

حال امروز من میخواهم ان شاهد عمده ایشان را که دو جلسه قبل خواندیم که فرمود اطمینان وثوق کم است را به گونه ایی معنا کنم که منافاتی با حرف های دیگر ایشان نداشته باشد.

قبل از اینکه عبارت ها را بخوانم، کاری با شیخ ندارم اگر کسی اینجور بگوید، آیا متناقض حرف می زند؟ بگوید:

1. من معتقدم خبر واحد بما هو خبر واحد حجت نیست الا اینکه وثوق و اطمینان شخصی بیاورد. یعنی برای این مجتهد وثوق به روایت بدست بیاید.
2. بگوید اگر سبب این اطمینان را فقط خبری می دانیم که دو تا عادل تمام سلسله رواتش را تایید کرده باشند یا خبری می دانید که ما قرائن متعدده ایی داشته باشیم که این خبر صدر عن المعصوم . اگر سبب اطمینان را این می خواهید بگیرید ، یعنی من اطمینان پیدا کنم از راه قرائن یا دو عادل به این که این خبر صدر عن المعصوم، باید به اطلاعتان برسانم این در فقه و روایات ما اگر نگوییم در حکم معدوم است، باید بگوییم بسیار کم است.
3. اگر می گویید نه ما به حدی که حجت برمان اقامه بشود کافی است با واقع کاری نداریم، من حجت می خواهم، من مبرء ذمه می خواهم برای من به حدی دلیل بیاورید که اطمینان پیدا کنم ذمه ام بری شده است. روز قیامت در پیش پروردگار حجت داشته باشم، اگر در این حد بخواهید موجود است. بعضی از موارد را علم و یقین دارید و بعضی از موارد هم اطمینان به صدور است . اما بقیه ظنون شما را به اطمینان رسانده است که مبرء ذمه شما شده است.

اگر کسی اینگونه بگوید که شما از من می پرسی انسدادی هستی یا انفتاحی؟ سوالت را باز کن اگر مقصودت این است که راه علم باز نیست ولی راه علمی باز است و علمی هم یعنی اطمینان به صدور در اکثر و معظم فقه؟ آن هم از راه روایاتی که با دو عادل همه رواتش تزکیه شده باشد؟ نه این راه مسدود است.

اما اگر منظورتان این است که ما از خبر واحد شهرت ، اجماع منقول و .. از اینها ولو هیچ کدام به تنهایی کافی نیست، از مجموع این ها اطمینان حاصل کنیم که ابراء ذمه حاصل شده است و در بقیه مواردش به اصول عملیه مراجعه کنید. بله ما همین را معتقد هستیم.

به عبارت دیگر اگر از من می پرسید با توجه به روایات به چند درصد فقهتان اطمینان صدور دارید؟ می گوییم فوقش 10% .

حال اگر از من می پرسید چند درصد فقهتان را اطمینان دارید که ذمه تان برطرف می شود؟ می گوییم 90%.

چون می گویم 90% در آن 10% مشکلی ندارد که به اصول عملیه عمل کنم.

حال بیایید در کلمات شیخ. شیخ اعظم من عباراتشان را برایتان خواندم. تصریح تام و تمام دارد که خبر واحد مفید وثوق و اطمینان شخصی را حجت قرار داده است. تمام کوشش این بزرگوار به این است که یک عبارتی که در ص 443 بود را شاهد بر انسدادی شیخ قرار دهد.

من با اجازه شما می آیم به قبل. از ص 437،

سوال این است که آیا همچنان که در جایی که من علم دارم به یک مطلبی، فرقی نمی کند به نفس واقع عالم باشم، یا عالم به طریقی باشد که مبرء ذمه است. هم چنان که این است لا فرق عند تعرض العلم بین الظن بتحقق الواقع و بین الظن ببرائة الذمة فی نظر الشارع.

و دو خط قبلش هم می گوید و لیس الواقع بما هو واقع مقصودا للمکلف الا من حیث کون تحققه مبرئا للذمه.

در مقابل یک عده مخالفت دارند می خواهند بگویند مثل صاحب فصول که ما باید از راهی برویم که شارع آن راه را به واقع برای ما قرار داده است.

شیخ شروع می کند به جواب دادن به صاحب فصول.

ص 440 که می رسد می فرماید آنی که من قائل هستم این است که شارع راه رسیدن به احکامش را به همان راه متعارف عرفی قرار داده است و طریق مخصوصی برای کشف مرادات خود قرار نداده است.

این مباحث را ادامه می دهد تا می رسد به عبارت ص 443 ؛ می گویید ما که گشتیم ندیدم شارع بیاید راه بالخصوصی را که واقع نما باشد قرار بدهد. اما ثانیا اگر همچین راهی باشد، آن راه چیست؟ راهی که واقع نما باشد؟ لعله قسم من الاخبار لیس منه بایدینا الیوم الی قلیل. اگر هم راه واقع نمایی را شارع جعل کرده باشد یک تعداد کمی است از اخبار که در زمان گذشته زیاد بوده است.

ان راه ها کدام است:

1. خبر مفید اطمینان فعلی بالصدور

آنی که نادر است که ما اطمینان به صدورش داشته باشیم

الذی کان کثیرا فی زمان السابق و لاریب فی ندرة هذا القسم فی هذا الزمان

اگر مرادت این انسدادی است من قاطعانه می گویم بله این راه بسته است.

1. او خبر العادل او الثقة الثابت عدالته او وثاقته بالقطع او البینة الشرعیة او الشیاع مع افادته الظن الفعلی بالحکم. یعنی راه قرار داده شارع چیست؟ خبری که همه رواتش با دو تا شاهد عادل ثابت شده باشد یا وثاقتشان با دو شاهد عادل درست شده باشد یا شیاع داشته باشد و این هم که نادر است. تازه بگوییم از این خبر ها هم ظن فعلی به حکم واقعی پیدا شود.

آخرش هم می گوید: ان هذا الخبر فی غایة القلة خصوصا اذا ضم الیه افادة الظن الفعلی

خبری که همه رواتش عادل باشند و شما اطمینان به صدور پیدا کنید، اطمینان به واقع پیدا کنید این کم است.

ما عباراتی را دیروز خواندیم که ظاهرش مخالفت و تضاد داشت با این عبارت. یکیش 494 و 495 بود. حال با این توضیحات ببینید این عبارات مخالف هم هست یا نه؟

می گوید بعضی گمان کردن که مظنون الاعتبار، فقط خبر صحیح مزکی به تزکیه عدلین است! نه و لیس کذلک بل الامارات الظنیه من الشهرة و ما دل علی اعتبار قول الثقة \_و لو شیعه نباشد\_ مضافا الی ما استفید من سیرة القدماء فی العمل بما یوجب سکون النفس من الروایات، و فی تشخیص احوال الروات، همه این ها برای ما ظن قوی ایجاد می کند بحجیة الخبر الصحیح بتزکیة عدل واحد و الخبر الموثق و الضعیف المنجبر بالشهرة من حیث الروایت و من المعلوم کفایة ذلک و عدم لزوم محذور من الرجوع فی موارد فقد تلک الامارات الی الاصول.

ص 507 :

و بالجمله و دعوی کثرة الظنون الاطمینانیه فی الاخبار و غیرها من الامارات به گونه ایی که اگر در بقیه شما به احتیاط مراجعه کنید محذوری نیست. این دعوا غریبة جدا.

چنان که خود شیخ تصریح کرد که شما اولا تکلیفتان را روشن کنید که اگر از اول دائره را ضیق می کنید و از نظر سند می گیوید فقط تزکیه عدلین و از نظر دلالت هم می گویید اطمینان به صدور و واقع نما بودن. اگر این را دنبال هستید نه ما همچین چیزی را نداریم اما بنده شیخ دو حرف دارم یکی در روایت شناسی سند روایات و راوی شناسی می گویم نه تنها خبر مزکی به عدلین بلکه عدل واحد بلکه موثق بلکه حتی روایات ضعیفه منجبر به عمل اصحاب کافی است. این دیگر نادر نیست.

من خودم را در محدوده وثوق و واقع نمایی قرار نمی دهم چون من تصریح کردم با واقع کاری ندرام من برایم حجت و ابراء ذمه مهم است. اطمینان به برائت ذمه خود پیدا کنم. اگر اطمینان به حجیت برایت مهم بود به برائت ذمه برایتان مهم بود این حاصل می شود.

حال شما فقه آقای خویی را نگاه کنید ایشان طوری روایات معتبره را در نظر می گیرد که روایات باید صحیحه با موثقه باشد ولی گویا سیدنا الخویی محضر امام نشسته و امام دارد این حرف را می زند لذا نه با شهرت و نه با اجماع و نه با نقل اقوال کاری ندارد. ولی شیخ اینگونه نیست. شیخ می خواهد بگوید ما که اینجا هستیم با انی که در محضر امام بوده است فرق داریم و این روایت را همینطوری و بدون هیچ گونه قرینه و شاهدی برای من شیخ اطمینان به حجیت چیت پیدا نمی کند . من باید قرائن را در کنار این روایت ببینم با توجه به ان قرائن اگر وثوق به حجیت پیدا کردم فتوا می دهم اما صرف اینکه یک روایت حتی صحیحه آمده است اما در کنارش قرائن بر خلافش است به صورتی که وثوق به صدور حاصل نمی شود من چنین روایتی را نمی­پذریم.

با این توضیح حق دارید بگوید شیخ نه انسدادی مثل میرزای قمی است ونه انفتاحی مثل آقای خویی. شیخ فقیهی است که بر مبنای وثوق بر حجیت فتوا می دهد اما انی که دیگران می خواهند از نظر ایشان کم است .

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.